

# عوامل مؤثر بر توسعه

## مطالعه موردی: سرمایه اجتماعی

### حجت‌الله برامکی یزدی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۸۷/۱۰/۱۰ - تاریخ تصویب ۸۷/۱۱/۱۵)

### چکیده

ریشه تفاوت در رفاه کشورهای مختلف همیشه مورد سؤال اندیشمندان بوده است که چرا یک منطقه یا کشور از وضعیت رفاهی بهتری برخوردار باشد در حالیکه در نزدیکی همان جا، کشوری از فقر و نابرابری رنج می‌برد. یا حتی در یک کشور، منطقه‌ای از امکانات بهتر برخوردار است، در حالیکه سیاست‌های اقتصادی در منطقه دیگر مؤثر نیست و امکانات کمتر است. برای تعیین و تشخیص این تفاوت‌ها در مباحث اقتصادی نماگرهای متفاوتی بیان شده است.

شاخص توسعه انسانی<sup>۲</sup> یکی از بهترین نماگرهایی است که نشان‌دهنده سطح توسعه در کشورهای مختلف است که با «فرایند بسط انتخاب‌های انسانی در بستر فضای اجتماعی قابلیت‌ها برای دستیابی به زندگی بهتر» تعریف می‌شود، اما اندیشمندان توسعه عوامل تاثیرگذار بسیاری را بر توسعه احصاء کرده‌اند.

سرمایه اجتماعی یکی از آن مفاهیمی است که به تازگی در ادبیات علوم سیاسی- اقتصادی و جامعه‌شناسی وارد شده است و جایگاه مناسبی در عوامل مؤثر بر توسعه پیدا کرده است. آثاری نیز برای سرمایه اجتماعی از جمله در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیان

۱- دانشجوی کارشناسی رشته معارف اسلامی و اقتصاد، baramaki@isu.ac.ir

۲ - HDI(Human Development Index)

کرده‌اند. اما توجه به سرمایه اجتماعی برای مفهوم توسعه انسانی، مسأله‌ای اساسی است. مطالعات جدیدی که اخیراً در مورد ارتباط سرمایه اجتماعی با توسعه انسانی انجام گرفته، نشان‌دهنده ارتباط بسیار قوی سرمایه اجتماعی با توسعه انسانی است و نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی تأثیرات بسزایی بر آموزش، بهداشت و سطح استاندارد زندگی که اجزای توسعه انسانی هستند، دارد.

### واژگان کلیدی: توسعه انسانی، سرمایه اجتماعی، استاندارد زندگی

#### مقدمه

در سراسر جهان، مردم هر روز صبح از خواب برمی‌خیزند تا روز جدیدی را در شرایط بسیار متفاوتی آغاز کنند. بعضی در خانه‌های راحت که دارای اتاق‌های بسیاری است، زندگی می‌کنند. آن‌ها بیش از حد کفایت غذا برای خوردن دارند، خوب می‌پوشند، سالمند و نسبت به آینده خود از لحاظ مالی مطمئن هستند. افراد دیگر که بیش از دو سوم جمعیت کره زمین را در برمی‌گیرند، کمتر خوشبخت هستند. این افراد دارای مسکن نیستند و یا مسکن نامناسبی دارند و از تغذیه کافی برخوردار نیستند. بهداشتشان نامناسب است. نمی‌توانند بخوانند و بنویسند. بیکارند و چشم‌اندازشان برای داشتن یک آینده بهتر تاریک و در بهترین حال ناامیدانه است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا این رفاه و آن فقر؟ چرا یک کشور توسعه یافته است و کشور دیگری توسعه نیافته؟ حتی در یک کشور نیز مناطق مختلف از لحاظ توسعه یافتگی با هم متفاوتند؟ (تودارو، ۱۳۶۴: ۱۲).

مباحث توسعه در جهت پاسخ و راه حلی برای این مشکل ایجاد شد تا در پی علت این فقر و راه‌های مرتفع کردن آن و ایجاد رفاه برای همه اقشار یک کشور و حتی در سطح بین‌المللی باشد. دانشمندان، توسعه را فرآیندی می‌دانند که تحولی مداوم در ابزار، قوانین و روابط مادی، معنوی و اجتماعی حیات به منظور دستیابی به تکامل جامعه و اهداف انسانی ایجاد نماید. در این تعریف مفاهیمی اعم از حرکت، تحول، کمی و کیفی بودن، حرکت از یک نظام سنتی به یک نظام مدرن نهفته است (اکبری، ۱۳۷۸: ۷).

برای معرفی توسعه با رویکرد اقتصادی تلاش زیادی شده است. به طور سنتی افزایش درآمد سرانه و یا بهبود نسبی اقتصادی جامعه به معنای توسعه تلقی شده است. برخی شاخص‌های

اندازه‌گیری میزان توسعه در این سال‌ها، تولید ناخالص ملی<sup>۱</sup>، درآمد ملی سرانه، و ... هستند. ولی با گذشت زمان و بروز تحولات اجتماعی و سیاسی و علمی از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد در مورد توسعه، بسیاری از کارشناسان و علمای علوم اجتماعی به ضعف و نارسایی تعریف توسعه به معنای رشد اقتصاد پی‌برده و بیش از پیش به ابعاد و عناصر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و انسانی در کنار ابعاد و عناصر اقتصادی توجه کرده‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۴۵).

اقتصاددانان توسعه برای آنکه موضوع توسعه برایشان روشن‌تر شود، بر آن شدند که تعریفی از توسعه یافتگی و یا توسعه‌نیافتگی ارائه کنند، اما موفق نشدند؛ چرا که نتوانستند تعریفی جامع بیابند که معنای توسعه یافتگی را با توجه به مصادیقش بیان کند. فلذا تصمیم گرفتند که شاخص‌هایی را تعیین کنند که این شاخص‌ها، نماگری از توسعه مناطق باشد. با وجود انتقادات و ایرادات متعددی مانند عدم توجه به چگونگی توزیع درآمد و شکاف طبقاتی، احتساب مضاعف، مشخص نبودن نوع تخصص به کار رفته در تولید، تولید ناشی از فروش ثروت یا فعالیت‌های مولد، مسائل و مشکلات حسابداری ملی و ... همچنان این گونه شاخص‌ها مورد استفاده هستند. البته تعدیلات و تغییراتی در آنها به منظور افزایش توانایی در اندازه‌گیری ایجاد شده است، مانند تبدیل شاخص‌ها از حالت ملی به صورت سرانه و تبدیل شاخص‌های اسمی به شاخص‌های واقعی. در نهایت می‌توان از شاخصی مانند "تولید سرانه واقعی" نام برد که تا حدودی دارای بعضی از ایرادات شاخص‌های قبلی نیست.

اما عده‌ای از اندیشمندان اقتصادی برای مفهوم توسعه، جایگاه و چارچوبی فراتر از عامل‌های کمی قائل بودند که توسعه را مشتمل بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز می‌دانستند و معتقد بودند که توسعه بیشتر یک تحول کیفی است تا کمی. از این رو شاخص‌های کمی مذکور را مناسب ندانسته و از دهه ۱۹۷۰م. به بعد شاخص‌های کمی مورد تردید واقع شد و عده‌ای اقدام به معرفی شاخص‌های عمدتاً کیفی از قبیل: سطح بهداشت، تغذیه، تحصیلات، نرخ مرگ و میر و ... نمودند و همچنین شاخص‌های رفاه اقتصادی مانند میزان برخورداری از کالاها و خدمات، دسترسی به امکانات عمومی و ... معرفی گردید.

این شاخص‌ها نیز دیر زمانی دوام نداشت؛ چون اولاً این شاخص‌ها به صورت نسبی مطرح

۱ - GNP, (Gross National Product)

هستند، ثانیاً همسان‌سازی در همه مکان‌ها و محیط‌ها از آن‌ها با مشکل روبروست و ثالثاً ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف دارای تعلقات و علایق گوناگونی می‌باشند. بنابراین در ادامه تحولات مفهوم توسعه، چگونگی اندازه‌گیری و ابزارهای آن نیز تغییر یافت. در حال حاضر به جای به کارگیری شاخص‌های منفرد و ساده مانند شاخص‌های صرفاً کمی یا کیفی، از شاخص‌های ترکیبی توسعه استفاده می‌گردد (اکبری، ۱۳۷۸: ۸).

نمونه بارز و متکامل و مشهور این شاخص‌های ترکیبی توسعه، شاخص توسعه انسانی می‌باشد که از مقبولیت بیشتری بین اندیشمندان برخوردار است؛ خصوصاً که اصلاحاتی در جهت بهبود این شاخص صورت گرفته و می‌گیرد و این شاخص توسط سازمان‌های بین‌المللی به شکل سالانه برای کشورهای مختلف جهان اعلام می‌گردد. همچنین این شاخص از جامعیت نسبی در بین سایر شاخص‌ها برخوردار است.

ایده «توسعه انسانی» که توسط برنامه توسعه سازمان ملل<sup>۱</sup> از طریق مراکز معتبر دانشگاهی بسط یافته است، بارزترین نمونه از پیوند دیدگاه‌های جدید در توسعه و تکوین ابزار سنجش یا مقایسه بین‌المللی است. از زمان ارایه اولین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ میلادی که طی آن «درآمد سرانه» به عنوان معیار مقایسه بین‌المللی موفقیت کشورها در دستیابی به اهداف توسعه معرفی شده بود، مفهوم توسعه انسانی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن در نتیجه تحولات علمی و سیاسی گسترده در سطح جهان، دچار دگرگونی اساسی شده است.

در اوایل توسعه انسانی به عنوان "فرایند بسط انتخاب‌های انسانی" تعریف شده بود. مقایسه این رویکرد با سه دیدگاه رفاه اقتصادی، نیازهای اساسی و توسعه منابع انسانی کمک بسزایی به درک بهتر توسعه انسانی می‌کند. رویکرد رفاه اقتصادی، مصرف کالاها و خدمات را اساس زندگی بهتر به شمار می‌آورد و از آنجایی که درآمد واقعی، میزان مصرف افراد از کالاها و خدمات را تعیین می‌کند، شاخص رفاه اقتصادی، درآمد واقعی است. در حالی که در رویکرد توسعه انسانی مصرف کالاها و خدمات را یکی از عناصر بهتر می‌داند و برآوردن نیازهای روحی و گسترش ظرفیت‌های ذهنی را عنصر دیگر زندگی بهتر به شمار می‌آورد که از طریق پرورش قوای ذهنی به ویژه با آموزش حاصل می‌شود، لذا نماگر پیشرفت تحصیلی در کنار درآمد سرانه

۱ - UNDP, (united nations development program)

در اندازه‌گیری توسعه انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعلاوه از دیدگاه توسعه انسانی، تأکید بر ایجاد ظرفیت‌ها به جای مصرف کالاها و خدمات، شرایط گسترش پایدار انتخاب‌های انسانی را به وجود می‌آورد؛ چرا که ظرفیت‌های انسانی امکان بازتولید مداوم کالاها و خدماتی را به وجود می‌آورد که نیازهای یک زندگی بهتر را تأمین می‌کند.

رویکرد "نیازهای اساسی" اگرچه تأمین حداقل نیازهای مادی و غیر مادی را هدف قرار می‌دهد اما این هدف را از طریق در اختیار قرار دادن مجموعه‌ای از کالاها و خدمات تعقیب می‌کند و لذا از یکسو بدلیل عدم توجه به پرورش ظرفیت‌های ذهنی و مادی و از سوی دیگر به واسطه تأکید بر حداقل‌ها به جای تأکید بر زندگی بهتر، با رویکرد توسعه انسانی تفاوت می‌یابد.

در نظریات جدید، به توسعه به عنوان یک "کل منسجم" نگریسته می‌شود، به طوری که نمی‌توان جنبه‌های مختلف آن را کاملاً از هم تفکیک نمود، نمی‌توان گفت یک جامعه به توسعه فرهنگی دست یافته است بدون این که توفیقی در توسعه اقتصادی داشته باشد و یا برعکس. به دیگر سخن باید "توسعه" را با نگاه نظام‌مند و سیستماتیک نگریست. البته بیان جنبه‌های مختلف توسعه اعم از توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی و ... با مسامحه بوده و جهت سهولت در فهم مطلب از آن‌ها استفاده می‌شود.

یکی از تعاریف توسعه انسانی بیان می‌کند که "توسعه انسانی فرایندی است از گسترش عرصه انتخاب‌های مردم" انتخاب‌ها می‌توانند نامحدود باشند. اما در کلیه سطوح توسعه، سه گزینه اصلی عبارتند از امکان برخورداری از عمری طولانی و همراه با تندرستی، کسب دانش، دسترسی به منابع مورد نیاز برای سطح شایسته زندگی (اکبری، ۱۳۷۸: ۱۰).

عوامل زیادی بر توسعه یافتگی یا عدم آن مؤثر هستند. یکی از مفاهیمی که بر توسعه تأثیرگذار است و از همین ادبیات جامع‌نگری به توسعه ناشی می‌شود، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی با آنکه عمر چندانی در ادبیات علمی ندارد، توانسته است جایگاه خود را به خوبی در مباحث علمی باز نماید. یک از تأثیرات سرمایه اجتماعی بر روی توسعه و رشد اقتصادی است. مفهوم سرمایه اجتماعی و توسعه به آن جا بازمی‌گردد که در دهه‌های هشتاد و نود، مفهوم قابلیت‌های انسانی مورد بازنگری قرار گرفته است و نه تنها ظرفیت‌های شخصی، بلکه ظرفیت‌های اجتماعی و ظرفیت‌های نظام اجتماعی یا آن چه سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود را نیز شامل شده است.

در حالی که افراد ممکن است دارای امتیازات، استعدادها و مهارت‌هایی باشند، جامعه نمی‌تواند

در زمینه توسعه انسانی پیش برود مگر این که افراد نظام‌های مؤثر و کارآیی را برای امور اجتماعی خلق کنند. بنابراین توسعه انسانی، توسعه‌ای است که به واسطه کنش و فعل و انفعال ناشی از نظام‌های کارا حاصل می‌شود. از این رو توسعه انسانی باید توسعه سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی را با هم ترکیب کند (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۵).

در ادامه مقاله ضروری به نظر می‌رسد تا جهت تعیین ادبیات سرمایه اجتماعی مطلوب، معرفی اجمالی از سرمایه اجتماعی داشته باشیم و پس از آن به موضوع اصلی مقاله یعنی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر توسعه خواهیم پرداخت.

## ۱. سرمایه اجتماعی

### ۱-۱- تاریخچه

واژه و مفهوم سرمایه اجتماعی سابقه طولانی در علوم اجتماعی دارد، ولی سابقه این اصطلاح به معنایی که امروزه بکار می‌رود به ۸۰ سال پیش و نوشته‌های لیدا جی هانیفا<sup>۱</sup>، سرپرست وقت مدارس ایالت ویرجینیای غربی در امریکا برمی‌گردد. او در توضیح اهمیت مشارکت در تقویت حاصل کار مدرسه، مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح کرد و در وصف آن چنین می‌گوید: «چیز ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد، حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی است. در بین خانواده‌ها و افراد که سازنده واحد اجتماعی‌اند، اگر کسی با همسایه‌اش و همسایه‌اش با دیگر همسایگان‌ش تماس داشته باشد، حجتی از سرمایه اجتماعی انباشته خواهد شد که ممکن است بلافاصله نیازهای اجتماعی را برطرف سازد و شاید حاصل ظرفیت بالقوه‌ای باشد که برای بهبود اساسی شرایط زندگی کل اجتماع کفایت کند» (پوتنم، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۵).

بعد از هانیفان اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه ناپدید شد، ولی در دهه ۱۹۵۰م، سیلی، سیم، لوزلی (گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادایی)، در دهه ۱۹۶۰م، هومانسن (یکی از نظریه‌پردازان در موضوع مبادله) و جین جاکوب (یک استاد مسائل شهری) و در دهه ۱۹۷۰م، اقتصاددانی به نام لوری آن را دوباره احیا و در مباحث خود مطرح کردند. شایان توجه است که هیچ یک از این نویسندگان از آثار قبلی که درباره این موضوع به رشته تحریر درآمده بود،

ذکری به میان نیاورده‌اند ولی همگی همان اصطلاح سرمایه اجتماعی را به کار برده و بدینوسیله اهمیت پیوندهای اجتماعی را در آن خلاصه کنند. با این حال مطالعات دانشمندانی مانند پوتنم، کلمن، فوکویاما و بوردیو و... الهام‌بخش اکثر کارهای جاری شده است.

## ۱-۲- تعریف سرمایه اجتماعی

با اینکه مفهوم سرمایه اجتماعی از عمر چندان طولانی برخوردار نیست اما دانشمندان زیادی با الفاظ متفاوت سرمایه اجتماعی را تعریف کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد بعضی این قافله را بیشتر به جلو رانده‌اند و مطالعات این دانشمندانی مانند پوتنم، کلمن، فوکویاما و بوردیو، الهام‌بخش اکثر کارهای جاری شده است. به همین منظور ابتدا نظرات ایشان را در تعریف سرمایه اجتماعی بیان کرده و سپس بطور خلاصه نظریات دیگر اندیشمندان را نیز بیان می‌کنیم.

پوتنم<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک جامعه می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنها را تأمین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه‌ها به عنوان منافع هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (پوتنم، ۱۳۸۵: ۸۶).

بوردیو<sup>۲</sup> می‌گوید سرمایه اجتماعی، جمع منابع بالقوه یا واقعی است که حاصل شبکه‌های بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل، یا به بیان دیگر عضویت در گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌کند. این روابط ممکن است فقط در حالت عملی در مبادلات مادی یا نمادینی که آنان را در حفظ آن روابط کمک می‌کند، وجود داشته باشد (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۹).

کلمن<sup>۳</sup> برای تعریف سرمایه اجتماعی از کارکردهای آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریف ماهوی. بدین گونه که سرمایه اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون این چارچوب می‌شود و فقدان آن ممکن است در دستیابی به یک هدف معین هزینه بیشتری را به افراد جامعه تحمیل

۱ - Putnam

۲ - bourdieu

۳ - Coleman

می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷).

فوکویاما<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی را شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی می‌داند که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. هنجارهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند از هنجار روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای همچون مسیحیت باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰).

### ۱-۳- مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

پاتنام برای سنجش سرمایه اجتماعی از سه شاخص آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی استفاده می‌کند و در کتاب «بولینگ» از یک شاخص ترکیبی با چهارده سنجه به تفکیک فعالیت‌های انجمن رسمی و غیررسمی و سطوح اعتماد استفاده نموده است (فیلد، ۲۰۰۳).

به نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی به دلیل بعد کیفی‌ای که دارد سنجش آن مشکل است. به نظر او به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را از طریق وجود الزامات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۸).

دسته‌بندی دیگری از ابعاد سرمایه اجتماعی توسط گروه کندی انجام گرفته است. این گروه ابعاد هشتمانه اعتماد، مشارکت سیاسی، مشارکت و رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت مذهبی، عدالت در مشارکت مدنی، تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها را موردشناسایی قرار دادند (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱: ۸).

### ۱-۴- تأثیرات سرمایه اجتماعی

برای سرمایه اجتماعی اثرات مثبتی بیان کرده‌اند که در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قابل توجه و بررسی است. سرمایه اجتماعی با ایجاد رابطه و تشکیل گروه‌ها،



ارتباطات بین افراد را افزایش می‌دهند و این افزایش در ارتباطات موجب فواید زیادی برای افراد و جامعه می‌شود. همچنین سرمایه اجتماعی موجب درونی‌سازی ارزش‌ها و تقویت هنجارها می‌شود. هنجارها و ارزش‌ها، فضای جامعه را سالم و آماده فعالیت‌های فردی و اجتماعی می‌نماید و بسیاری دیگر از فواید که جای تأمل بسیار دارد، موجب شده است که سرمایه اجتماعی جایگاهی عالی در نظریات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... داشته باشد. اما با توجه به موضوع مقاله، به موضوع سرمایه اجتماعی و توسعه توجه خاص می‌نمائیم.

## ۲- نقش سرمایه اجتماعی در توسعه

از نظر برخی صاحب‌نظران، الگوهای توسعه تا قبل از دهه هفتاد میلادی، صرف نظر از تشدید دامنه نابرابری‌های اجتماعی مانع از جلب و جذب مردم در فرایند توسعه گردید و از شکل‌گیری سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، مشارکت و سازمان‌یابی که از شروط لازم توسعه است، جلوگیری کرد که پیامدهایی از جمله کاهش انسجام و تشدید نابسامانی‌های اجتماعی در فرایند توسعه را در بر داشته است. بنابراین در مفهوم‌سازی مجدد پارادیم جدید توسعه سه فرایند سرمایه اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و توانمندسازی مورد توجه قرار گرفته است (زاهدی، ۱۳۸۲).

کلمن نیز پس از آنکه تفاوت‌های موجود در شمال و جنوب ایتالیا نظرش را جلب کرد، به مطالعه بر این موضوع ترغیب شد و پس از آن می‌گوید: از سال ۱۹۷۰ ایتالیایی‌ها مجموعه‌ای از حکومت‌های منطقه‌ای قدرتمند را در سراسر کشور ایجاد کردند. این بیست نهاد جدید شکلی یکسان داشتند ولی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنها، تفاوت چشمگیری داشت و از پس‌اصنعتی تا فراصنعتی، کاتولیک معتقد تا کمونیست پرشور، فئودالی بی‌تحرك تا مدرنی پرجنب و جوش را شامل می‌شد. همانطور که انتظار داشتیم برخی از این حکومت‌های جدید بسیار ناموفق بودند، ولی برخی دیگر بسیار موفق بودند و برنامه‌های سازنده نگهداری از کودکان خردسال و مراکز آموزش حرفه‌ای را ایجاد کردند، سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی را افزایش دادند، در زمینه رعایت استانداردهای زیست محیطی و درمانگاه‌های خانواده پیشگام بودند و به طور کلی مسائل عمومی را به خوبی اداره و رضایت انتخاب‌کنندگان خود را جلب می‌کردند. او این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه این تفاوت‌های شدید در کیفیت‌های حکومت‌ها را می‌توان توضیح داد؟ (کلمن: ۱۳۸۴، ۹۶). او خود در جواب این سؤال می‌گوید: «بهترین عامل پیش‌بینی‌کننده همان چیزی است که الکسی دو توکویل آن را پیش‌بینی کرده است: سنت‌های

قدرتمند مشارکت مدنی، شرکت در انتخابات، تعداد خوانندگان روزنامه‌ها، عضویت در گروه‌های سرود مذهبی و محافل ادبی، باشگاه‌های نیکوکاران و باشگاه‌های فوتبال، نشانه‌ای موفقیت یک منطقه است» (کلمن، ۱۳۸۴: ۹۶).

او در نحوه تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر پیشرفت اقتصادی بیان می‌کند که شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای مستحکم رابطه متقابل را تقویت می‌کند. من کاری را برای شما انجام می‌دهم، با این امید که در آینده شما یا کس دیگری آن را جبران کند.<sup>۱</sup>

فرضیه‌ای که وجود دارد این است که سرمایه اجتماعی یک متغیر مهم برای موفقیت در برنامه‌های توسعه‌ای (اشتغال پایدار، مشارکت و ...) است. بنا بر این فرضیه، برنامه‌های اجتماعی در مناطقی موفق‌ترند که دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند. بررسی تجربی این رابطه در ایران و اثبات و یا رد این فرضیه نیازمند پژوهش‌های تجربی بیشتری می‌باشد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۹). نتایج مطالعات و کارنامه قرن بیستمی توسعه در جهان سوم نشان می‌دهد که الگوها و روش‌های به کار بسته شده عموماً به بسط فقر و محرومیت و تشدید نابرابری‌ها منجر شده است. مشکل اصلی الگوهای توسعه فقط به گسترش دامنه فقر و نابرابری‌های اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه پیامد نامیمون این الگوها آن است که به دلیل گسترش نابرابری‌های اجتماعی به کاهش انسجام، افزایش بیگانگی با خود و تشدید نابسامانی‌های اجتماعی مردم در فرایند توسعه و بیگانگی فرآیندها آنان با این فرآیند است. تجربه کاربست برنامه‌های توسعه در اغلب کشورهای غیر صنعتی جهان در بخش اعظم قرن بیستم، بازگویی عدم موفقیت جدی این برنامه‌هاست. ناتوانی این الگوها و برنامه‌ها برای پیشرفت واقعی کشورها موجب شد که از اواخر دهه ۱۹۶۰م. کارآیی این الگوها و برنامه‌ها به طور جدی به زیر سؤال برده شود و مورد نقادی قرار گیرد.

در نگاه به سرمایه اجتماعی و رابطه آن با توسعه، چهار رویکرد وجود دارد:

**رویکرد اجتماع‌گرایی:** در دیدگاه اجتماع‌گرا، سرمایه اجتماعی با سازمان‌های محلی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌ها برابر انگاشته می‌شود. اجتماع‌گرایان بر این اعتقادند که سرمایه

۱- البته این نوع سرمایه اجتماعی حاصل نوعی منفعت طلبی فردی است، در حالیکه سرمایه اجتماعی می‌تواند از نگاه جمع‌گرایانه نیز حاصل شود. در آن صورت دیگر فرد به امید جبران کارش در آینده، کار خیری برای دیگران انجام نمی‌دهد.

اجتماعی ذاتاً خیر است، هر چه بیشتر باشد بهتر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه جامعه دارد. اما این نگرانی وجود دارد که تقویت سرمایه اجتماعی در سطح خرد باعث کاهش آن در ارتباط با دیگر گروه‌ها شود. یعنی اگر استحکام روابط درون گروهی بیشتر شود، موجب کاهش روابط آنها با دیگر گروه‌ها می‌شود. حتی ممکن است این کاهش در روابط بین گروه‌ها موجب شود که مضار این عضویت‌ها بیشتر از منافع آن باشد.

اما شواهدی که از کشورهای در حال توسعه موجود است، نشان می‌دهد که همبستگی تنها منجر به رفاه اقتصادی نمی‌شود. در بسیاری از ممالک آمریکای لاتین، بارزترین صفت گروه‌های مردم بومی را غالباً برخورداری از سطوح بالای همبستگی ذکر می‌کنند، ولی این مردمان از لحاظ اقتصادی در سطح پائینی قرار دارند.

**رویکرد شبکه‌ای:** نقش سرمایه اجتماعی در اقتصاد را می‌توان از دیدگاه تشکیل شبکه‌ها نیز بررسی نمود. از این دیدگاه، شبکه به عنوان نوعی سازمان رسمی تعریف نشده، بلکه به صورت یک ارتباط اخلاقی مبتنی بر اعتماد تعریف می‌شود. بنابراین یک تعریف دقیق‌تر چنین خواهد بود: «یک شبکه متشکل از گروهی از افراد است که دارای هنجارها یا ارزش‌هایی فراتر از ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای داد و ستدهای متداول بازار می‌باشد.» هنجارها و ارزش‌هایی که در این تعریف جای می‌گیرند از هنجارهای ساده دوسویه مشترک بین دو دوست تا نظام‌های ارزشی پیچیده را شامل می‌شوند. شبکه‌ها به عنوان روابط اخلاقی غیر رسمی نیز شناخته می‌شوند، بنابراین با پدیده‌هایی از قبیل پارتی‌بازی، نژادگرایی و روابط غیر شفاف مرتبطند و این همان جنبه‌های منفی است که برای سرمایه اجتماعی بیان می‌کنند؛ اما روی هم رفته چرا نباید ریشه این روابط غیر رسمی خشکیده شود؟ یک جواب آن با مسأله لزوم هماهنگی بین افراد در شرایط پیچیده اقتصادی ارتباط دارد، به عبارت دیگر موضوع مطرح در این ارتباط، جریان کامل اطلاعات است. دلیل اینکه شبکه‌ها به عنوان گروه‌های دارای هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی، از اهمیت برخوردارند، این است که در برابر اطلاعاتی که از طریق سازمان جریان می‌یابد، مجراهای جانمایی فراهم می‌سازند. دوستان وقتی در اطلاعات با یکدیگر سهیم هستند، معمولاً خواهان حق مالکیت در فکر نشده و بنابراین وارد این نوع داد و ستد نمی‌شوند. بنابراین وجود دوستی‌ها، جریان آزاد اطلاعات را در درون سازمان تسهیل می‌کند. همچنین معمولاً دوستان به دنبال موضع‌گیری‌های قدرت‌گرا نیستند.

در این دیدگاه به هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی توجه می‌شود و رابطه درون گروهی

و رابطه میان گروهی، هر دو دارای اهمیت است. به عبارت دیگر رابطه افقی و عمودی را با هم در نظر می‌گیرند و جمع این دو رابطه را سرمایه اجتماعی می‌دانند. بیان‌کنندگان این دیدگاه، دو خصلت برجسته برای سرمایه اجتماعی قائلند:

سرمایه اجتماعی یک شمشیر دو دم است. می‌تواند خدمات گرانبهایی را ارائه نماید و از آن طرف هزینه‌هایی هم دارد، به عنوان مثال کمک‌هایی که باید به خویشاوندان فقیر ارائه نماید. صاحبان این دیدگاه معتقدند درباره کارایی این دیدگاه نباید اغراق کرد، زیرا همبستگی در یک گروه و موفقیت این گروه، مانع موفقیت در گروه‌های دیگر می‌شود.

**رویکرد نهادی:** این دیدگاه مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. برخلاف دیگر رویکردها که سرمایه اجتماعی را یک متغیر مستقل می‌دانند، این‌ها سرمایه اجتماعی را یک متغیر وابسته تلقی می‌کنند. پژوهش‌های انجام شده بر اساس این رویکرد دو گونه‌اند:

۱. میزان شکوفایی جامعه مدنی به اندازه‌ای است که دولت را به این امر تشویق می‌کند.
  ۲. سرمایه اجتماعی را با کیفیت نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی یک جامعه مشخص می‌کنند. شاخص‌های مختلف کیفیت نهادی که توسط نهادهای سرمایه‌گذاری و گروه‌های حقوق بشر تدوین شده، نشان می‌دهد که مواردی چون اعتماد همگانی، حاکمیت قانون، آزادی‌های معنوی و کیفیت دیوانسالاری با رشد اقتصادی همبستگی دارد. ناگ<sup>۱</sup> می‌گوید: «سرمایه اجتماعی از میزان فقر می‌کاهد یا دست کم نابرابری درآمد را تشدید نمی‌کند» (اوفه، ۱۳۸۴: ۵۵۱-۵۳۳).
- کالیر<sup>۲</sup> و گنینگ<sup>۳</sup> بیان می‌کنند در جامعه‌ای که هم میزان تفرق قومی بالاست و هم حقوق سیاسی ضعیف است، نرخ رشد اقتصادی هم پائین است. (همان).
- این دو دیدگاه با یکدیگر مکمل هستند و تقریباً بدیهی است که فساد فراگیر، کندی آزار دهنده کار اداری، آزادی‌های مدنی سرکوب شده، بی‌عدالتی، تنش‌های تفرقه‌انگیز قومی و تضمین نداشتن حقوق مالکیت اصلی‌ترین عواملی هستند که مانع رفاه اقتصادی هستند.

۱ - Knack

۲ - Collier

۳ - Gunning

انتقادی که بر این دیدگاه وارد است، این است که ایجاد نظام‌های حقوقی با کفایت ممکن است دهه‌های متمادی زمان نیاز داشته باشد و این زمان طولانی ممکن است ضررهای بسیاری در پی داشته باشد.

**رویکرد همیاری:** عده‌ای از دانشمندان با تشخیص مشکل در رویکردهای قبلی، پیشنهاد دادند که دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کنند و نام آن را رویکرد همیاری بگذارند. مطالعاتی که این دانشمندان انجام داده اند، به سه نتیجه کلی می‌رسد:

۱. دولت‌ها و جوامع هیچ کدام ذاتاً خوب و یا بد نیستند و تأثیرات این‌ها بر تحقق اهداف جوامع متغیر است.

۲. دولت‌ها و بنگاه‌ها و اجتماعات به تنهایی فاقد منابع لازم برای ترویج توسعه هستند.

۳. دولت می‌تواند در تشکیل گروه‌های پایدار در فراسوی مرزهای طبقات، قومیت، نژاد و... تسهیل نماید. از آن طرف، بنگاه و اجتماعات نقش مهمی در ایجاد شرایطی دارند که به ایجاد، تشخیص و پاداش و حکمرانی خوب می‌انجامد. در این رویکرد پیشنهاد می‌شود که ترکیبات مختلف حکمرانی و سرمایه اجتماعی بین گروهی و یا در یک گروه، جامعه محلی یا مورد ملاحظه قرار گیرد.

در جوامعی که از حاکمیت خوب و سطوح متعالی سرمایه اجتماعی میان گروهی بهره‌مندند، دولت و جامعه مکمل یکدیگرند و موفقیت اقتصادی و نظم اجتماعی محتمل‌الوقوع است، ولی هنگامی که سرمایه اجتماعی یک جامعه عمدتاً نصیب گروه‌های اولیه شود که با یکدیگر ارتباط ندارند، گروه‌های قدرتمندتر به بهای به حاشیه راندن گروه‌های دیگر، بر دولت چیرگی می‌یابند و نتیجه‌اش این است که تهی‌دستان از رسیدن به حقوق خود محروم می‌شوند.

اگر با رویکرد همیاری به سرمایه اجتماعی نگاه کنیم، می‌توان فرضیه‌ای را به این صورت بنا نهاد که بین سرمایه اجتماعی و میزان توسعه‌یافتگی رابطه مثبتی وجود دارد. برای اثبات این فرضیه باید شاخصی از توسعه‌یافتگی در اختیار داشته باشیم.

در این مطالعه از شاخص ترکیبی توسعه انسانی (HDI) استفاده می‌شود. HDI شاخصی است که مقیاس آن بین ۰-۱ بوده و نشان‌دهنده میانگین سه بعد توسعه انسانی است:

- ۱- برخورداری از عمری طولانی توأم با سلامتی؛ با امید به زندگی در بدو تولد؛
- ۲- دانش؛ با نرخ باسوادی بزرگسالان بر اساس دو سوم ارزش کلی و نرخ ترکیبی ثبت نام در مقاطع مختلف تحصیلی بر اساس یک سوم ارزش کلی؛

۳- دسترسی به امکانات مادی لازم برای یک زندگی بهتر؛ قدرت خرید افراد که بر اساس دلار تعدیل شده، اندازه گیری می‌شود که با تفصیل بیشتری در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

### ۲-۱- سرمایه اجتماعی و استاندارد زندگی (درآمد سرانه)

در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، دیدگاه غالب در بین اقتصاددانان و سیاست‌گذاران این بود که مشکل اصلی اکثر کشورهای توسعه‌نیافته ریشه در فقدان برخی عوامل تولید مهم به ویژه سرمایه فیزیکی دارد. از این رو چنانچه کشورهای ثروتمندتر، بتوانند با استقلال این عوامل دام‌های فقر و سطح پایین در آمد در کشورهای فقیر را از بین ببرند، کشورهای دریافت کننده قادر خواهند بود فرآیند رشد پایدار و خودکفایی خود را آغاز کنند. براساس این دیدگاه مسأله توسعه، انتقال پس‌انداز از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر می‌باشد.

به هر حال، تحلیلی که در ایالات متحده، اروپا، و برخی کشورهای امریکایی لاتین، از تابع تولید کل TPF صورت گرفت، نشان داد که بهبود و پیشرفت در تولید و سطح زندگی، ناشی از فرایند سنتی انباشت سرمایه نبوده است (پس‌انداز بیشتر سبب سرمایه‌گذاری بیشتر در کالاهای سرمایه‌ای شده که این امر افزایش در ظرفیت مولد را به دنبال دارد و در نهایت موجب سطح بالاتر بهره‌وری و درآمد سرانه می‌شود)، بلکه علت این پیشرفت، وجود یک عامل فرعی در تابع تولید می‌باشد.

در طی سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۰ میلادی، سهم این عامل فرعی در رشد تولید امریکا در حدود ۹۰٪ برآورد شد. براساس محاسبه ادوارد نیسون، حتی با وارد کردن آموزش ضمنی داده‌های تولید (سرمایه انسانی)- علاوه بر سرمایه فیزیکی و نیروی کار - در تابع تولید، هنوز ۶۳ درصد از افزایش محصول هر نفر ساعت کار در امریکا و ۸۳ درصد در اروپا ناشی از عواملی غیر از عوامل در نظر گرفته شده در مدل است (دهقانی، ۱۳۸۲: ۲۴).

عامل فرعی، نقش بسزایی در تشریح رشد اقتصادی دارد. دانشمندان این عامل را سرمایه اجتماعی می‌دانستند. سرمایه اجتماعی با بهبود کیفیت دستگاه اداری، حفاظت همه جانبه از قانون، کاهش فساد سیاسی و احتمال سربلندی دولت و مردم از قرار دادهای اجتماعی، و ... نیز موجب رشد و توسعه اقتصادی، گسترش اعتماد بین عاملین اقتصادی می‌شود.

## ۲-۲- سرمایه اجتماعی و بهداشت

اینکه انسجام اجتماعی و سلامتی به هم مربوطند، ایده‌ای است که حداقل یک قرن عمر دارد. در اواخر قرن نوزدهم دورکیم نشان داد که تعداد خودکشی‌ها در جوامعی که انسجام اجتماعی کمتری دارند، بیشتر است تا جوامعی که ارتباطات منسجم‌تری دارند. در مورد همبستگی کلی بین سطح سلامتی و ارتباطات اجتماعی از دهه ۱۹۷۰ میلادی، مدارک و شواهدی در دست است که نشان می‌دهد نرخ مرگ و میر مردمی که شبکه‌های اجتماعی قوی‌تر دارند، نصف یا یک سوم نرخ مردمی است که ارتباطات ضعیف اجتماعی دارند. پاتنم با استفاده از نتایج تحقیقات بسیار که در آنها سعی شده مشخصه‌های دیگر را کنترل کنند، مشخصه‌هایی چون سن، درآمد و حتی الگوهای رفتاری مانند سیگار کشیدن، اعتیاد به مشروب و ورزش کردن و ... همبستگی کلی این ارتباط را تأیید کرده است (فیلد، ۱۳۸۵).

طی سالیان اخیر، رابطه سرمایه اجتماعی و سلامتی و بهداشت به یکی از موضوعات مهم تبدیل شده است؛ به شکلی که امروزه سرمایه اجتماعی، مفهومی کلیدی و پراهمیت در زمینه مطالعات مربوط به ارتقای سلامتی و رفاه عمومی محسوب می‌گردد. تا آنجا که تنها در سال ۲۰۰۲ میلادی بیش از ۵۰ مقاله در این زمینه چاپ شده است. (کاواچی و همکاران، ۲۰۰۴).

مهمترین مطالعه‌ای که الهام‌بخش دیگر آثار در این زمینه شده، مفهوم‌سازی رابرت پوتنام از سرمایه اجتماعی، متشکل از ابعادی نظیر اعتماد بین شخصی، هنجار معامله متقابل، و تعهد اجتماعی است که مشارکت محلی را تقویت کرده و می‌تواند نتایج سودمندی برای افراد جامعه از جمله در زمینه سلامتی به دنبال داشته باشد. کاواچی و همکارانش (۱۹۹۷) در مطالعه خود در مناطق مختلف آمریکا به رابطه شدید بین سرمایه اجتماعی با نابرابری درآمد (توزیع نابرابر درآمد) و سلامتی پی بردند. به عقیده این پژوهشگران، سرمایه اجتماعی در واقع نقش یک متغیر واسطه را بین نابرابری درآمد و سلامتی بازی می‌کند؛ به این معنا که نابرابری بیشتر به کاهش مشارکت در فضای عمومی و افزایش بی‌اعتمادی منجر می‌گردد که هر دو متغیر تأثیری منفی بر سلامتی دارند. گرچه رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامتی در اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های صورت گرفته، به اثبات رسیده است؛ اما بسیاری از مطالعات در این زمینه یا از توصیف این رابطه فراتر نرفته‌اند و یا میان آن دسته از پژوهشگرانی که به تحلیل و تعلیل رابطه مذکور پرداخته‌اند، راجع به سازوکارهای اساسی تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر سلامتی، توافق کاملی وجود ندارد. پژوهش انجام شده توسط پژوهشگران بانک جهانی (۲۰۰۵) در زمینه تأثیرات سرمایه اجتماعی بر

سلامتی خاطر نشان کرده است که اعتماد همراه با شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی به مردم کمک می‌کند تا:

- اطلاعات و آموزش مورد نیاز برای سلامتی را فرا گیرند؛
- نظام‌های بهتری برای ارائه خدمات و مراقبت‌های بهداشتی طراحی نمایند؛
- به منظور ساختن زیرساخت‌های بهداشتی و اصلاح و ترمیم آن به طور دسته جمعی اقدام کنند؛
- اقدامات پیشگیرانه را ارتقا داده و بهبود بخشند؛
- هنجارهای فرهنگی تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر سلامتی (کاهش استعمال دخانیات، مصرف الکل، و رفتارهای پر خطر جنسی) را ترویج نمایند.<sup>۱</sup>

سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم و نظریه چند وجهی دارای قابلیت، توانایی، و کارآیی قابل ملاحظه‌ای در توصیف و تبیین رفتارها، فرایندها و ساختارهای اجتماعی مرتبط با حوزه سلامتی، بهداشت و بیماری می‌باشد. شناسایی دقیق ابعاد، عناصر، و سازوکارهای تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی و تدوین آن در قالب نظریه‌ای منسجم و مدون، می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در توصیف و تبیین مسایل و مشکلات موجود در حوزه بهداشت و سلامت عمومی و فردی جامعه ما داشته باشند. از آن جا که وضعیت سلامت عمومی می‌تواند تابعی از گسترش کمی و کیفی سرمایه اجتماعی درون گروهی (میان دوستان، اعضای خانواده، و همسایگان)، سرمایه اجتماعی میان گروهی (بین گروه‌های اجتماعی گوناگون و تقریباً یکسان)، و بویژه سرمایه اجتماعی پیوند دهنده (اعتماد به نمایندگان نهادهای مسئول برای ارائه خدمات کلیدی به مردم) باشد، لذا ضروری است تا به هر شکل ممکن و بالاخص با تأکید بر منابعی نظیر دولت، دین، آموزش و رسانه‌های گروهی به افزایش حجم سرمایه اجتماعی در سطح جامعه کمک نمائیم تا ضمن خوشه‌چینی از آثار مثبت آن در سایر حوزه‌های حیات اجتماعی، سلامت جسمی و روانی را در سطوح فردی و عمومی ارتقاء دهیم.



## ۲-۳- سرمایه اجتماعی و آموزش

رویکردهای اخیر در جامعه شناسی آموزش و پرورش و بویژه در زمینه سرمایه اجتماعی در تحلیل ساز و کار موفقیت تحصیلی، نکات قابل توجهی را مطرح نموده‌اند که در رویکردهای ستیز و کارکردگرایی مورد غفلت قرار گرفته است. پیوندها و شبکه‌های اجتماعی افراد به عنوان سرمایه اجتماعی بالقوه آنها می‌تواند در ارائه و انتقال اطلاعات و آگاهی تحصیلی و همچنین انتقال هنجارها و ارزش‌های تحصیلی سهم بسزایی داشته باشد. همچنین افزایش دامنه و شدت پیوندهای اجتماعی می‌تواند فرایند نظارت و کنترل اجتماعی را افزایش داده و از این طریق رسیدگی و نظارت بر امور تحصیلی را فزونی بخشد. بنابراین سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق فرایندهای زیر، زمینه مناسب را برای موفقیت تحصیلی فراهم نماید:

۱- تسهیل جریان اطلاعات (به ویژه اطلاعات تحصیلی)

۲- تقویت همبستگی اجتماعی (به عنوان مثال تقویت پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی و به

تبع آن تسهیل فرایند انتقال اطلاعات و کنترل اجتماعی)

در مجموع نظریه سرمایه اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی و تحلیل منافع حاصله از ایجاد پیوندهای اجتماعی در سطوح مختلف، تحلیل نوینی از سازوکار موفقیت تحصیلی بدست می‌دهد. فلذا متغیر سرمایه اجتماعی که قسمتی از رویکردهای مربوط سرمایه اجتماعی است به عنوان مبنای تحلیل موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان انتخاب شده که در صورت بررسی این متغیر، می‌توان نظریه مربوطه را از جهت تطبیق با مقتضیات و شرایط جامعه آماری مورد مطالعه آزمود. تحقیقات جدید ثابت می‌کند که ظاهراً سرمایه اجتماعی به طور کلی رابطه تنگاتنگی با ماحصل تحصیلات دارد. از چهارده تحقیق بررسی شده توسط دیکا و سینق که به منظور ارتباط سرمایه اجتماعی و پیشرفت درسی انجام شده، بیشتر به همبستگی مثبت میان آنها رسیده‌اند. اکثر این تحقیقات موفقیت‌های درسی را حاصل سرمایه اجتماعی والدین دانسته‌اند. نتایج تحقیقات همچنین نشان داده است که سرمایه اجتماعی ممکن است محرومیت اجتماعی و اقتصادی را جبران کند. همانگونه که کلمن می‌گوید که سرمایه اجتماعی می‌تواند برای مستضعفین منبع تحصیلی ایجاد کند (فیلد، ۱۳۸۵).

کلمن با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی سعی در شناخت نقش هنجارها و ارزش‌ها در داخل خانواده یا شبکه‌های اجتماعی داشت، تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه‌های انسانی شود. به زعم کلمن روابط میان مردم، شکلی از سرمایه را ایجاد می‌کند که سرمایه اجتماعی نام

دارد. موجودی سرمایه اجتماعی منبعی برای افراد و خانواده در به دست آوردن منافعی است که می‌باشد. کلمن دو نوع سرمایه اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند: سرمایه اجتماعی در داخل خانه و سرمایه اجتماعی خارج از خانه. سرمایه اجتماعی داخل خانواده شامل زمانی است که والدین با یکدیگر و با بچه‌هایشان می‌گذرانند. سرمایه اجتماعی بیرون خانواده شامل ارتباط با اقوام و خویشاوندان و همسایگان و ارتباط با اولیاء و مربیان مدرسه می‌باشد. سرمایه اجتماعی درون خانواده شامل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط بین والدین و فرزندان است که برای فرزندان خصوصاً در دوران جامعه‌پذیری بسیار گرانبها است. از دیدگاه کلمن این سرمایه اجتماعی از طریق سرمایه‌گذاری در کنش متقابل بین افراد خانواده و با ایجاد فرصت برای کنش‌های بین شخصی و فراوانی و مدت زمان آنها ظاهر می‌شود. در تحلیل کلمن، سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی نقش بارزی دارد. او بر روابط والدین - فرزندان تأکید می‌کند و از حضور فیزیکی والدین در خانواده و رسیدگی به فرزندان به عنوان شاخص اندازه‌گیری استفاده می‌کند. پیش فرض او این بود که سرمایه‌های اجتماعی متفاوت خانواده‌ها، سطوح مختلف سرمایه اجتماعی قابل دسترسی را برای کودکان ایجاد می‌کند. او سرمایه اجتماعی را با چند عامل در ارتباط می‌داند:

- حضور والدین در خانه (هر دو نفر یا تنها یکی)

- تعداد فرزندان

- ترکیب متفاوت والدین

- انتظار مادران از آموزش بچه‌ها

- تحرک خانواده

- حضور در کلیسا

در نتایجی که کلمن بدست آورد، زمانی سرمایه اجتماعی بالا است که والدین هر دو در خانه هستند، مادران به آموزش بچه‌ها توجه دارند، مقدار کمی تحرک در خانواده وجود دارد و انسجام دینی بالا است. به همین دلایل میزان‌های ترک تحصیل از مدرسه پایین است، به عبارتی سرمایه اجتماعی بالاتر باعث ادامه تحصیل بیشتر می‌شود. سرمایه اجتماعی خانواده همانند سرمایه‌های دیگر، در خوشبختی کودک مخصوصاً دستاوردهای آموزشی، اثرات مهم و یکسانی دارد. وی سرمایه اجتماعی را به عنوان منبع مهم در تسهیلات خوشبختی و توسعه کودکان

می‌داند. (کلمن، ۱۳۸۴: ۶۶).

کلمن اشاره دارد که سرمایه اجتماعی ذاتاً در روابط والدین و فرزند و نوع و نحوه این روابط وجود دارد. او در مورد نحوه این روابط به میزان وقت و انرژی که والدین در کمک به فرزندانشان سرمایه‌گذاری می‌کنند اشاره دارد. سرمایه اجتماعی درون خانواده مکانیسم مهمی است که از طریق آن انتظارات تحصیلی والدین به فرزندان انتقال یافته و انتظارات تحصیلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کلمن به اهمیت سرمایه اجتماعی بیرون خانواده نیز تأکید نموده است، این سرمایه به شبکه اجتماعی خانواده در اجتماع و رابطه آن با سایر نهادهای اجتماع و اعضای اجتماع از قبیل مدارس، سازمان‌های اجتماعی و غیره اشاره دارد. او معتقد است که تماس بین کودک و خانواده، دوستان، جامعه و مدرسه‌اش می‌تواند به دستاوردهای آکادمیک بزرگی منجر شود. این تماس‌ها که محصول روابط و درگیری‌های اجتماعی است، سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. والدینی که دارای سطوح بالا سرمایه انسانی و در عین حال سطوح پائین عکس‌العمل (ارتباط) با کودکان خود هستند (منبع سرمایه درون خانواده) نسبت به خانواده‌هایی که دارای سطوح بالای عکس‌العمل (ارتباط) و کنش با فرزندان خود هستند، شانس محدودتری دارند تا سرمایه انسانی خود را به کودکان منتقل کنند. بنابراین در محتوای کلمن، انتقال سرمایه انسانی از والدین به بچه‌ها وابستگی زیادی به سطوح سرمایه اجتماعی موجود در خانواده دارد. کلمن بر اهمیت ارتباطات درون‌خانوادگی تأکید می‌کند. گاهی یک رابطه احساسی بین کودک و والدین، بسیار مهمتر از این است که والد قدرت و تسلط بسیار زیادی روی کودک داشته باشد. کلمن همچنین به ارتباط نزدیک والدین با یکدیگر به عنوان منبع سرمایه اجتماعی خانواده تأکید می‌کند. علاوه بر این همانطور که در ادبیات تحقیق مشاهده می‌شود کلمن علاوه بر اهمیت ارتباطات درون‌خانوادگی، تأکید دو چندان بر ارتباطات بیرون‌خانوادگی (از جمله فروبستگی نسلی) نیز داشته است. وی معتقد است مجموعه این ارتباطات و اعتماد و همکاری بین خانواده‌ها نقش بسزایی بر موفقیت تحصیلی بچه‌ها دارند (کلمن، ۱۳۸۴: ۶۸).

### ۳- یک مطالعه موردی

بررسی میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه در مطالعات بسیاری انجام شده است. رایس و لینگ<sup>۱</sup> رابطه بین سرمایه اجتماعی، دموکراسی و پیشرفت اقتصادی را در یازده کشور اروپایی و آمریکایی مورد بررسی قرار داده‌اند و معتقدند سرمایه اجتماعی، اثرات انکارناپذیری بر دموکراسی و پیشرفت اقتصادی دارد (رایس و لینگ، ۲۰۰۲: ۳۰۷-۳۲۵).

کاوچی<sup>۲</sup> و همکاران در پژوهشی در ۳۹ ایالت آمریکا به این نتیجه رسیدند که آثار توزیع ناعادلانه درآمد بر مرگ و میر، با سرمایه اجتماعی، تعدیل می‌شود (کاوچی، ۲۰۰۴: ۶۹۰-۶۸۲). یکی از مطالعات جامع در این حوزه، مطالعه‌ای است که کریستوفورو<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) انجام داده است. در این مطالعه ارتباط سرمایه اجتماعی (معرف‌های هنجارهای مدنی، شبکه‌های اعتماد و عضویت در گروه) را با رشد اقتصادی<sup>۴</sup> و توسعه انسانی، در ۳۲ کشور اروپا (بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و تعدادی غیر عضو) بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۳ میلادی سنجید. متغیرهای مؤثر بر توسعه همانند: رفاه عمومی، محرومیت اجتماعی، نوع حکومت، عملکرد بازار را کنترل کرد و سپس ارتباط سرمایه اجتماعی با شاخص توسعه انسانی سنجیده شد. در این پژوهش همبستگی میانگین شاخص توسعه انسانی با سرمایه اجتماعی بدست آمد و اثرات متغیرهای زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

- ۱- اندازه‌گیری تأمین بهداشت عمومی، آموزش و تأمین اجتماعی از طریق سهم هزینه‌های عمومی در GDP<sup>۵</sup> (بهداشت و آموزش) یا کل هزینه‌های (تأمین اجتماعی)؛
- ۲- تعامل بین هزینه‌های عمومی بخش سلامت و آموزش با محاسبه کاهش اثرات هر کدام از دو حوزه؛
- ۳- ابداعات و تکنولوژی از طریق هزینه‌های کل R&D<sup>۶</sup> بعنوان درصدی از GDP؛

۱ - Rice & Ling

۲ - Kawachi

۳ - Christoforou

۴ - Economic Growth

۵ - Gross Domestic Product

۶ - Research and Development

- ۴- فعالیت نظام بازار به واسطه رشد GDP، صادرات و واردات و ذخیره پولی؛
- ۵- محرومیت اجتماعی از طریق نابرابری در درآمد، میزان در آستانه فقر (درصد جمعیت در آستانه فقر) قبل از پرداخت‌های اجتماعی؛
- ۶- اندازه‌گیری کیفیت حکومت با مسئولیت‌پذیری و کارایی کارمندان دولت، امنیت سیاسی، رعایت حقوق بشر و تأمین کالاهای عمومی؛
- ۷- شرایط ثبات سیاسی، تهدیدات احتمالی شدید و پنهان یا تغییر حکومت، تروریسم، از هم گسیختگی شدید میان دولتمردان و کارمندان.

نتایجی که بدست آمد نشان می‌دهد که دو متغیر اعتماد اجتماعی ( $r^2=0/59$ ) و عضویت در گروه ( $r^2=0/68$ ) با توسعه انسانی همبستگی بالا و مثبتی دارند و متغیر هنجارهای مدنی ( $r^2=0/11$ ) همبستگی ضعیفی با توسعه انسانی دارد. همچنین سرمایه اجتماعی به شکل عضویت در گروه، تأثیر قوی‌تری بر سطوح توسعه انسانی در مقایسه با هنجارها و اعتماد اجتماعی دارد که این بر خلاف مطالعات گذشته است. این نتیجه با نظریاتی که بر اهمیت هنجارهای مدنی و اعتماد اجتماعی تأکید می‌کردند و با عضویت در گروه‌هایی با علایق خاص که فعالیت آنها با منافع عمومی تضاد داشت، مخالف است.

تأمین بهداشت عمومی و آموزش همگانی ارتباط معنادار و مثبتی با HDI دارد. باید توجه کرد، افزایش هزینه‌های عمومی آموزش به میزان ۱٪ فقط در کشورهای که هزینه‌های بهداشت عمومی کمتر از ۵٪ است، موجب افزایش HDI می‌شود. بهبود در کیفیت حکومت به میزان یک واحد (بهبود در مسئولیت‌پذیری و مراجع قانونی)، موجب افزایش HDI به میزان ۰/۰۳ می‌شود و رشد اقتصادی و تکنولوژی همراه با مشارکت سیاسی و توزیع برابر منابع عمومی تأثیر یکسان بر توسعه دارند. در پایان متغیرهای محرومیت اجتماعی همانند: نابرابری، فقر و بیکاری که تنها در نابرابری درآمدی، ارتباط منفی (نابرابری در سطح ۱٪ موجب کاهش ۰/۰۱۴ واحدی در HDI می‌شود) دیده شد و با وارد شدن متغیر عضویت در گروه مقدار آن به نصف تقلیل یافت ولی دو متغیر دیگر ارتباط معنادار آماری با توسعه نداشتند. پس محرومیت اجتماعی تهدیدی جدی برای توسعه در این کشورها نیستند. همچنین رانیز (۲۰۰۰) و همکاران در مطالعه خود مشاهده کردند به نظر نمی‌رسد که برابری بیشتر در توزیع درآمد توسعه انسانی را ارتقاء دهد.

در این پژوهش برای اندازه‌گیری تحلیل رگرسیونی معرف‌های اقتصادی با معرف‌های توسعه انسانی از پژوهش رانیس<sup>۱</sup>، استیوار<sup>۲</sup> و رامیرز<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) استفاده شده است که اقدام به ارتباط‌سنجی میان توسعه و رشد اقتصادی در یک نمونه ۴۱ الی ۷۶ کشور از کشورهای در حال توسعه با داده‌ها و اطلاعات در دسترس انجام گرفت. با توجه به نظریه نئوکلاسیک که می‌گوید رشد اقتصادی باید موجب رشد توسعه و توسعه انسانی شود، آنان مشاهده کردند که توسعه انسانی بعنوان موضوع اصلی فعالیت انسانی و رشد اقتصادی، بعنوان ابزار مهم و بالقوه برای ارتقاء و پیشرفت توسعه است که در کنار دسته‌ای از فاکتورها از جمله: سهم خانوارها از منابع، حکومت و اجتماعات مدنی (گروه‌های محلی، NGO در سطح محلی) قرار می‌گیرد.

### نتیجه

نه تنها چرایی تعامل متغیرها با سرمایه اجتماعی اهمیت دارد، بلکه چگونگی تعامل متغیرها نیز دارای اهمیت است. به ویژه چه مکانیسم‌ها و کانال‌هایی درون هر کدام از ارتباطات وجود دارد و چگونه شروع، ضعیف یا قوی می‌شود. در هر صورت می‌بایست عواملی که به عنوان مولد توسعه انسانی عمل می‌کنند را جستجو و تقویت نمائیم. با این تفکر، منطقی‌ترین شیوه، مراجعه به خود افراد جامعه و روابط اجتماعی حاکم بر آنان است. افراد و جوامع، باید تنها انگیزه جهت پیشرفت و ارتقاء باشند بنابراین ابداع ابزار اندازه‌گیری توسعه و پیشرفت باید متناسب با این رویکرد باشد و سرمایه اجتماعی بعنوان اصلی‌ترین ابزار اندازه‌گیری توسعه می‌تواند بکار گرفته شود.

البته بدست آوردن دامنه و جهت اثرات مشارکت و همکاری بسیار مشکل است. در یک چارچوب چند بعدی، اثرات آنها نه تنها با توسعه و رفاه در تعامل است بلکه بازخوردش درون شبکه‌ها، هنجارهای متقابل و انجمن‌ها دیده می‌شود و سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.

یکی از راه‌های بررسی اثرات سرمایه اجتماعی، بررسی تأثیرات و کارکردهای «سرمایه اجتماعی» در سه سطح ملی (کلان)، گروهی (میان) و فردی (خرد) است. در سطح کلان، دغدغه

۱- Ranis

۲- Steware

۳- Ramirez

محققان دانستن تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی و خصلت دموکراتیک رژیم‌های سیاسی بوده است. در سطح میانه، مباحث عمدتاً پیرامون رابطه سرمایه اجتماعی و رفتار جمعی گروه‌های قومی و نژادی، تفاوت میان نسل‌های مختلف و نیز چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرصت‌های اجتماعی افراد ساکن در مناطق و محلات مختلف بوده است و بالاخره در سطح خرد محققان تلاش کرده‌اند تا رابطه میان سرمایه اجتماعی و موفقیت‌های تحصیلی، اشتغال، درآمد، سلامتی و رضایت از زندگی را روشن کنند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه پیرامون موضوع ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی بوده و به میزان زیادی مبتنی بر این باورند که نوعی همبستگی مثبت میان این سه پدیده وجود دارد. مسائل عمده مورد بحث در این باره عبارتند از: نقش سرمایه اجتماعی در قوت بخشیدن به جامعه مدنی، نقش بازار و دولت در فرایند تقویت سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، تفکیک میان اعتماد خاص (نسبت به گروه خودی) و اعتماد عام (نسبت به کل افراد جامعه) و چگونگی تبدیل اولی به دومی، تعامل میان اعتماد سیاسی (اعتماد افراد نسبت به نهادهای سیاسی و اجتماعی) و اعتماد اجتماعی (اعتماد افراد نسبت به یکدیگر) و بالاخره رابطه سرمایه اجتماعی و موفقیت اقتصادی. مطالعات کلان نگر سرمایه اجتماعی تنها معطوف به تأثیر آن بر فرایندهای سیاسی نیست و فرایندهای اقتصادی را نیز شامل می‌شود. بنابر نظر اقتصاددانانی که مفهوم سرمایه اجتماعی را به کار بسته‌اند، سطح بالای سرمایه اجتماعی یک کشور می‌تواند رشد اقتصادی آن را نیز تسریع بخشد، این کار عمدتاً از طریق کاستن بار اقتصادی موسوم به هزینه‌های معاملاتی صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، وجود اعتماد در میان افراد جامعه بسیاری از ترتیبات رسمی و کنترل‌های قانونی را غیر رسمی و با هزینه کمتر به انجام برساند، گویی که سرمایه اجتماعی ماشین اقتصاد را روغن کاری می‌کند تا روان‌تر و سریع‌تر حرکت نماید. در این مقاله نیز ما از توسعه انسانی به عنوان شاخص توسعه استفاده کردیم. شاخص توسعه انسانی نیز خود مشتمل بر سه جزء استاندارد زندگی، بهداشت و آموزش است. بنابراین در هر کدام از این اجزاء، تأثیرات سرمایه اجتماعی را به صورت تئوری بیان کرده و در ادامه با بیان یک مدل اقتصادسنجی از تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه به بررسی کمی این تأثیر پرداخته و نشان دادیم که رابطه مثبتی بین سرمایه اجتماعی و توسعه وجود دارد.

## منابع

- آزاد ارمکی تقی (۱۳۸۶)، **جامعه شناسی توسعه: اصول و نظریه ها**، تهران، علم.
- اکبری، نعمت الله (۱۳۷۸)، **مباحثی از توسعه اقتصادی در ایران**، مقاله نگرش متدولوژیک بر تفاوت و تعدد در مفاهیم توسعه، نشر هشت بهشت: اصفهان.
- الوانی و سید نقوی (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها در فصلنامه **مطالعات مدیریت**، شماره ۳۳، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴)، مقاله جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی در کتاب **سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، **سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۴)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، غلامعلی فرجادی، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- دهقانی، بابک (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در **نشریه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)**، شماره ۱۱ و ۱۲.
- زاهدی، محمد جواد (۱۳۸۲)، **توسعه و نابرابری**، تهران: انتشارات مازیار.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، **پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جهان امروز.
- قدوسی، ح (۱۳۸۴)، **رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از منظر نهادگرایی**، مجموعه مقاله‌های سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ اول.
- کراهی، مقدم (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و تندرستی در **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۲۲۶ - ۲۲۵.
- الوانی و سید نقوی (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها در فصلنامه **مطالعات مدیریت**، شماره ۳۳، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ولکاک مایکل و نارایان دیپا (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست در کتاب **سرمایه اجتماعی**،



اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

- Bourdieu, P.(1986) *The forms of capital in Hand book of theory and research for the sociology of education*, greenwood press, New York.
- Christoforou, Asimina(2006), *Social Capital, Economic Growth & Human Development: An Emprical Investication Across Europen Countries* ,presented at the 2006 Annual Meeting of the Human Development & Capability Association, Freedm & Justice.29 August-1 September, university of Groningen, Groningen, The Natherlands.
- Field, John (2003) *Social Capital*, Routledge: London
- ICE, TW and LING J (2002) , *Democracy, Economic Wealth and Social Capital : Sorting Out The Causal Connections Space and Polity*, Vol. No3.pp:307 – 325.
- Kawachi, I., Kim, D., Coutts, A., & Subramanian, S. V.(2004). *Commentary: Reconciling the three accounts of social capital*. International Journal of Epidemiology, 33(4), 682–690 [discussion 700-684].
- Narayan, D., and Pritchett, L.(1997) “*Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania*”. Policy Research Working Paper No. 1796. Word Bank: Washington DC.
- UNDP, *Human Development Report 2005*, (<http://www.undp.org>).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی